



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

سال بیستم و پنجم ، شماره ی ۸۹

بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۸۹-۲۰۷

فصلنامه ی علمی فضای جغرافیایی

آقای رضا احمدزاده^۱

حسین نظم فر^۲ *

سهیلا حمیدزاده خیای^۳

تحلیلی بر پراکسیس سرمایه اجتماعی در بر ساخت الگوی شهرسازی انسان محور

مطالعه موردی : شهر نظر آباد البرز

چکیده

رابرت پوتنام اصطلاح سرمایه اجتماعی را اینچنین تعریف می کند: جنبه هایی از سازمان اجتماعی همانند شبکه ها ، هنجارها و اعتماد که همیاری و همکاری برای دسترسی به منافع متقابل را تسهیل می کند. با توجه تقلیل گرایی متعارف در شهرسازی و فروکاست آن به کالبدگرایی طرح های تفصیلی و جامع و ... در انگاشت ما سرمایه اجتماعی مفهومی مقابل فیزیکیالیسم شهری و نوعی پراکسیس است. در نزد هانا آرنست، پراکسیس نوعی کنش عمومی است که در آن مردم، عرصه ی زندگی خود را خلق و از نو می سازند و مناسبات انسان ها در فضا در کنش و واکنشی متاملانه و در بستر امر زمانی - مکانی رخ می دهد. پارادایم شهرسازی انسان محور، به دنبال تولید فضایی است که مناسبات انسانی از جمله بازتولید سرمایه اجتماعی جایگزین انگاره صرفا فیزیکیالستی از

^۱ دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران - - دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران - - دانشگاه محقق اردبیلی

^۳ گروه شهرسازی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران - - دانشگاه آزاد اسلامی

شهر و عرصه های عمومی شود.. تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی پیش می رود و با استفاده از آزمون های آماری ربط و پیوست متغیر سرمایه اجتماعی به بر ساخت الگوی شهرسازی انسان محور مورد سنجش قرار می دهد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شده است روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار جمع آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری شده اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پراکسیس سرمایه اجتماعی در بازتولید شهرسازی انسان محور تاثیر معنی داری دارد.

کلید واژه: پراکسیس، سرمایه اجتماعی، شهرسازی انسان محور، نظرآباد

مقدمه

پارادیم شهرسازی انسان محور در دهه ۱۹۹۰ میلادی، محصول نقد وضعیت کالبدی و فیزیکی شهرهایی بود که توسط مهندسان شهرسازی با انگاره هایی مانند طرح های جامع و تفصیلی ایجاد شده بود به عبارت دیگر انبوهه ای از شهرهای محصول این طرح ها، که تحت نام سبک بین الملل در نظام اندیشه و تفکر شهرسازی جهان رایج بوده است، وضعیتی غیر انسانی بوجود آورد که امکان تداوم زیست بشری در این شهرها امکان پذیر نبود. بازنمایی کالبدی و فیزیکی سبک بین الملل، جدایی سازی کاربری های شهری تحت نام منطقه بندی^۴ بود. یعنی جدایی عملکردی کاربری ها و محدود کردن کارکرد شهر در چهار نقش اصلی سکونت، کار، تفریح و حمل و نقل (Madanipoor, 2012) که محدود کردن شهرها به چهار عملکرد و تفکیک آن ها از طریق جدایی گزینی و منطقه بندی باعث فقدان کارایی شهرها می شود (Shi and Yang, 2015: 167). از اینرو اختلاط کاربری اراضی (همسایگی سکونت، مکان فعالیت و خدمات ساختمان ها، محلات و بخش های شهری)، اصل مهم فرم مطلوب شهر در قرن بیست و یکم است (Hirt, 2020: 134). باید اذعان کنیم که شهرهای سنتی دارای بافت ترکیبی و ارگانیک بوده اند و شهر در دوره ماقبل مدرن به طور طبیعی به همین صورت مجموعه ای از محلات و کوی ها ایجاد می شد (Moutin and Sherli, 2018) مهمترین وجه این نوع شهرسازی، مقیاس انسانی است. مقیاس انسانی یعنی آن نوع پلان شهری که باعث بروز و ظهور انسان بر روی دو پای خود در مکان شهری گسترده و در فضاهای عمومی می شود که افراد با پای پیاده می توانند به نیازمندی های خود در نزدیکی محل سکونت خود دسترسی پیدا کنند (Nabil and Abd Eldayem, 2015).

⁴ - Zoning

24). این حضور در فضا باعث پویایی و رشد مناسبات انسانی و تولید سرمایه اجتماعی می شود. فضاهای شهری در دوران متاخر چرخش های متعددی را از منظر هستی شناختی از سر گذرانده اند. شهر به مثابه امر جمعی و ابژکتیو محمل این تحول هستی شناختی است. تحول هستی شناختی فضا، آشفتگی معرفت شناختی ناشی از دگرگونی عملکردی و آشکار شدن زوایای دیگری از وجود و ماهیت فضا است (Piri, 2011: 55). فرماسیون سرمایه اجتماعی در طول زمان و در بستر فضا- مکانی مخصوصا محلات شهری به مثابه یک "رویداد"^۱ رخ می دهد و تاثیرات اجتماعی - اقتصادی و همچنین منابع اصلی و ساز و کارهای گرد آوری آن علت اصلی مطالعات انبوه و فراوانی است که مخصوصا از دهه ۱۹۹۰ روی این مفهوم صورت گرفته است (Huang et al., 2009: 454) و در طول دو دهه گذشته تحقیقات زیادی رابطه بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی، کارایی، حکمروایی، توسعه اقتصادی و بسیاری از پدیده های دیگر را نشان داده است (Snelgrove et al., 2009: 1993). این مفهوم اغلب به همراه مشارکت مدنی و موازی با شبکه های همکاری و یکپارچگی است اما مفاهیم بسیار انتزاعی دیگری همراه سرمایه اجتماعی است که عبارتند از: انسجام، اعتماد، معامله به مثل و کارایی نهادی (Franke, 2005: 1). مفهوم مرکزی آن این است که مردم از طریق مشارکت در زندگی جمعی، عضو گروههایی می شوند که هویت، هنجارها، اعتقادات و اولویتهای شان را منعکس کرده و در عین حال هم به این هنجارها شکل می دهند (Suzuki et al., 2010). رابرت پوتنام بیشترین سهم را در عمومی کردن و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی دارد که توانست آنرا از حالت انتزاع در اندیشه اجتماعی و اقتصادی نجات بخشد (Mohan et al., 2005: 1267; Harper, 2020: 2; Tajbakhsh, 2014: 11) مطالعه او درباره دموکراسی، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در ایتالیا، تمایل عمومی شدیدی نسبت به قابلیت سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی و تسهیل التزام مدنی بوجود آورد (Besser, 2009: 185).

پیشینه تحقیق

Bird, K. (2019) در پژوهشی تحت عنوان «مقدمه ای بر کانون های فضایی فقر» به ارزیابی تعاریف و شواهد کانون های فضایی فقر، ارتباط کانون های فقر شهری، اهمیت مکان و فضا در تجزیه و تحلیل فقر و سیاست های توسعه پرداخته اند. و در ادامه می نویسد امروزه میلیون ها نفر در کانون های فضایی - جغرافیایی فقر، نواحی حاشیه ای و فقدان امکانات و خدمات زندگی می کنند. معمولاً کانون های فضایی فقر در مناطق دور افتاده روستایی و همچنین در سطح محلات فقرنشین و رو به رشد شهرها یافت می شوند. در عمل ارائه خدمات عمومی سخت افزاری (نظیر جاده ها، برق و آب و فاضلاب) و خدمات نرم افزاری (نظیر مدرسه و درمانگاه) و تمایل سیاسی به ارائه خدمات نقش موثری در

ساماندهی این کانون‌ها دارد که اغلب به شکل سکونتگاه‌های غیر رسمی در پیرامون و نواحی داخلی شهرها شکل گرفته اند.

از نظر Tibaldz(2008) بهترین مکانهای شهری، ترکیبی از کاربریها و تنوعی از فعالیتها و تجربیات را به مردم میدهند. زندگی، کار، تجارت، خرید، بازی و تفریح همگی با پیوستگی به هم، بدست می‌آیند. ترکیب کاربری‌ها، محیطهایی زنده و امن به وجود می‌آورد.

با بررسی رابطه بین پیاده محوری و سرمایه اجتماعی محله به این نتیجه رسیدیم که اختلاط کاربری اراضی، وجود مسیرهای عابرین پیاده و تراکم‌های بالاتر موجب افزایش پیاده روی می‌شوند. اما اینکه پیاده روی بتواند باعث افزایش سرمایه اجتماعی بشود، اجتماعی وجود ندارد. از آنجا که در مراکز شهرهای آمریکا فقر و جرم و جنایت بالاست به همین دلیل رابطه منفی بین پیاده محوری و تقویت روابط اجتماعی وجود دارد. (Jun and Hur, 2015: 121).

مبانی نظری

- بر ساخت کالای عمومی سرمایه اجتماعی در شهرسازی انسان محور

چنانچه اشاره شد کاربری‌های ترکیبی و مختلط به عنوان بازنمایی از مادیت و الگوی فیزیکی شهرسازی انسان محور است چرا که انسان به ماهو انسان خود امری ترکیبی و حتی ترکیبی از اضداد است. به این معنی که ماهیت مناسبات انسانی با منطق منطقه بندی کاربریهای شهری که از منشور آتن و اندیشه‌های لوکوربوزیه و میس ون در روهه نشأت می‌گیرد سازگاری ندارد و این فقدان به معنای امتناع پراکسیس شهری است. در نزد هانا آرنست^۶ پراکسیس نوعی کنش عمومی است که در آن مردم عرصه‌ی زندگی خود را خلق و از نو می‌سازند (Parekh, 1998) بطور کلی، در دیدگاه پراکسیس شهری، بافت‌های خودانگیخته به تعبیر دوستو جنبشی ست ریشه‌ای بر علیه بروکراسی دولتی که در آن زاغه‌نشینان با اتکاء به پیوندهای غیررسمی خود سعی در طفره رفتن از قوانین سفت و سخت حکومتی دارند تا حداقل‌های زندگی خود را تامین کنند. بدین ترتیب دوستو از اقتصاد مردمی در مقابل اقتصاد رسمی دفاع و فقرای شهری را «قهرمانان کارآفرین» معرفی می‌کند. او در پژوهش خود نشان می‌دهد این فقرا به لحاظ دارایی و تملک اموال کم و کاستی ندارند. سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست. ماهیتهای متنوعی است که واجد دو عنصر هستند؛ همه آنها شامل جنبه‌ای از ساختار اجتماعی هستند و روابط واقعی کنشگران (شخصی، گروهی، تعاونی) را درون این ساختار تسهیل می‌کنند (Spelleberg, 2001:10) به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki et al., 2010:1368) و

⁶ Hannah Arendt

منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می گذارد (Chuang and Chuang, 2008:1322) بنابراین همین که کنشگر وارد حوزه عمومی روابط اجتماعی شد، واجد سرمایه اجتماعی می شود. اما مالکیت سرمایه اجتماعی همانند کالاهای عمومی با توجه به تنوع آن متفاوت است به عبارت دیگر و از منظر اقتصاد سیاسی می توان صورتی ابزاری به آن داد. مفهوم سرمایه اجتماعی مانند هر مفهوم دیگری در حوزه علوم اجتماعی به سرنوشت دوگانه ای دچار شده است و حتی عده ای معتقدند که سرمایه اجتماعی هیچگونه معنای متمایزی ندارد (Poortinga, 2006:256) و بسیاری از پژوهشگران، شاخص های سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را متفاوت دانسته و گاهی از نوع منفی سرمایه اجتماعی بحث می کنند که در میان گروههای مافیا یا تروریستی تعین می یابد که دارای انسجام درون گروهی، اعتماد و رابطه متقابل هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی را نمی توان از نظر ویژگی هایی که کنش جمعی را تسهیل می کنند در نظر گرفت بلکه از نظر نوع و یا محتوای هنجاری نیز کنشی خنثی نبوده و واجد اهمیت هستند. به عبارتی اعتماد در میان شهروندان جامعه ای که بر مبنای آزادی اندیشه و تشکیل نهادهای مدنی استوار است، آشکارا با اعتمادی که یک برده به ارباب خود، کودک به والدین خود، عضو قبیله به رئیس قبیله خود یا یک کارگر ژاپنی صنعت اتومبیل به شرکت خود داشته باشد تفاوت دارد (Tajbakhsh, 2006: 31). می توانیم ادعا کنیم که همه انواع اعتماد می تواند کنش جمعی را تسهیل کند اما مخالفت با سرمایه اجتماعی خنثی تمایز گذاری میان انواع گروهها و سازمانها را بر مبنای دو شاخص انعطاف پذیری یا نرمش ناپذیری عضویت و میزان انعطاف پذیری یا نرمش ناپذیری اهداف و آرمانها اجتناب ناپذیر می سازد (جدول ۱).

جدول ۱- ماتریس سنخ شناسی دوگانه اهداف / گروه

Table 1- Double typology matrix of targets / group (Source, Tajbakhsh, 2006: 32)

عضویت متغیر / باز	عضویت ثابت	
احزاب سیاسی، شرکت ها	فرقه ها و گروههای تبهکاران	اهداف ثابت و تغییر ناپذیر
انجمن های مدنی	خانواده، گروه قومی، ازدواج	اهداف متغیر

بنابراین تنها گروههای که در خانه پایین سمت چپ قرار دارند می توانند با حفظ اندازه اجتماع و حقوق مدنی، سرمایه اجتماعی تولید و یا ایجاد کنند. بورديو عنوان می کند که مردم دسترسی نابرابری به منابع شبکه - مبنا دارند و این تئوری جنبه های منفی سرمایه اجتماعی مخصوصاً محرومیت افراد خاصی را از دستیابی به منابعی که متقارن با یک شبکه است را می شناساند (Carpiano, 2008:569) از اینرو می تواند بر موضوعات و پیامدهای اقتصادی و محیطی تاثیر منفی داشته باشد (Ishihara and Pascuala, 2009:1550). جنبه ای از این عرصه عمومی، فضایی - کالبدی است که متقارن با انتظام نهادی است. به این ترتیب که هرچه قدر حکومت شهری واجد بنیانهای دموکراتیک و مبتنی بر ارزشهای برخاسته از اجتماعات محلی باشد به همان میزان دارای عرصه های عمومی فراختر و بازتر خواهد بود. هم در حوزه رسانه های جمعی و هم در حوزه فضاهای شهری. مهمترین عرصه فعالیت نظم نهادی - فضایی مبتنی بر عقلانیت

ارتباطی، ارائه کالاهای عمومی و حفاظت از حوزه عمومی است. در واقع مهمترین وظیفه حکومت تهیه کالاهای عمومی است (Zhang, 2004: 2859). این کالاها از اموال خصوصی متمایز است و حالت همگانی دارند به عنوان مثال، غذا از مصادیق کالاهای خصوصی است اما بهداشت مواد غذایی از مصادیق کالاهای عمومی است (Patrik, 2002: 31). به عبارتی مصادیق بارز کالاهای عمومی عبارتند از هوای پاکیزه، چراغ خیابانها، دفاع ملی، قانون و نظم (Ibid). باید به این لیست مراقبتهای بهداشتی و درمانی، آموزش و حتی حفظ سطح حداقل درآمد و آزادی را بیافزاییم. از نظر فضایی، مکان یابی مناسب خدمات شهری و حفظ دسترسی ها نیز کالایی عمومی محسوب می شود. هاروی معتقد است که مکان یابی را به عنوان شکل خاصی از نظریه حاکم بر تامین کالاهای عمومی در نظر آوریم (Harvey, 2003: 89). کالاهای عمومی هم می تواند توسط بخش خصوصی هم به وسیله بخش دولتی تهیه و عرضه شود. در حالت اول قیمتها به عنوان عاملی برای حل تناقض میان ضرورت فنی تولید در معدودی نقاط مشخص فضا و ضرورت فیزیکی مصرف در نقاط متعدد و پراکنده عمل خواهند کرد. اما هاروی معتقد است که ساز و کار بازار در امر مکان یابی کالاهای عمومی و رساندن نظام به تعادل پاره تو کارآمد نیستند. همانطور که این ساز و کارها در بازار مسکن نیز ناموفق هستند. زیرا الگوی مکان یابی که از طریق منحنی های عرضه و تقاضا شکل می گیرد، ضرورتاً منطبق بر تعادل پاره تو نیست (Ibid, 85). در حالت دوم دخالت دولت در تامین و عرضه کالاهای عمومی ناشی از ناکارآمد بودن ساز و کارهای بازار در ارائه آنها است زیرا نمی توان قیمت مناسبی برای این کالاها مشخص کرد بنابراین این کالاها (خدمات آموزشی، آتش نشانی و پلیس و) توسط دولت تامین می شود. اما معضل کالاهای عمومی، سواره گیری مجانی^۱ است به این معنی که افراد جامعه یا از پرداخت هزینه های تامین آنها خودداری می کنند و یا مالکیت آنها خصوصی می کنند که این معضل بنیادین همکاری را دانشمندان علوم اجتماعی تحت عناوینی چون مصیبت اراضی مشاع^۲، منطق کنش جمعی^۳، دوراهی زندانی^۴ و ... تحلیل کرده اند (Tajbakhsh, 2006: 94). به عنوان مثال هزینه های زیست محیطی ناشی از مکان یابی نامناسب تاسیسات صنعتی و یا آلودگی هوای ایجاد شده توسط کارخانجات بخش خصوصی و دولتی، نمونه ای از آن است. در بسیاری از شهرهای جهان سوم، مردم فقیر شهر به طرز نامتناسبی تاثیرات منفی آلودگی آب، زمین و هوا را تجربه می کنند و این در حالی است که درآمدهای فزاینده بین گروههای طبقه متوسط و ثروتمند در همان شهرها باعث تراکم ترافیک و قیمتهای سر به فلک کشیده زمین و مسکن می شود (Baud and Sen, 2009; Dhanalakshmi, 2007: 134). با آشکار شدن محدودیتهای عقلانیت اقتصادی (Jacobs, 1961; Andrews, 2008) و بوم شناختی (Habermas, 1984)، تهدید حیات اجتماعی (Harding, 2006) با متروپلیتن بیشتر از آنکه به عنوان نماد توسعه اقتصادی و پیشرفت برخورد شود بلکه از منظر

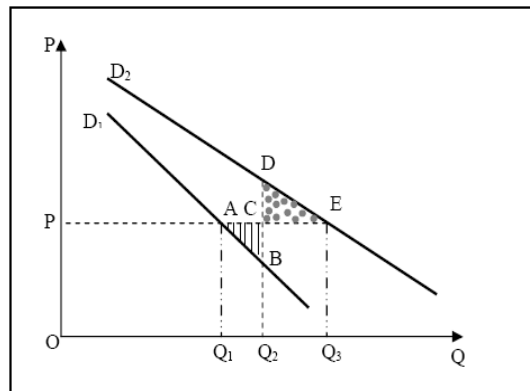
1- Free rider

2- Tragedy of the commons

3- The logic of collective action

4- Prisoner's dilemma

افزایش نابرابری های منطقه ای و گردش نامتعادل سرمایه ملی نگرسته شد. در نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری، سرمایه، عبارت از هرگونه ذخیره ارزشی است که کنش را تسهیل می کند (waldstorm et al, 2008:1498) و سرمایه اجتماعی چیزی است که در اختیار شبکه محلی قرار می گیرد اما این نوع سرمایه در بین مناطق جغرافیایی کالایی عمومی است که در صورت توزیع نامتناسب آن علاوه بر بی عدالتی اجتماعی - اقتصادی باعث تحمیل بی عدالتی فضایی و اکولوژیکی نیز می شود که در شکل زیر آمده است (شکل ۱). اگر فرض کنیم که کالای عمومی (تولید سرمایه اجتماعی) Q مورد نظر دو منطقه است اما سطح نامتعادل سرمایه اجتماعی در بین دو منطقه بیشتر باشد تابع تقاضای منطقه اول با D_1 و تابع تقاضای منطقه دو را با D_2 نشان می دهیم. اگر دولت به اندازه OP مخارج سرانه بر روی این کالا داشته باشد. در این قیمت تقاضای منطقه اول برابر با Q_1 و تقاضای منطقه دوم برابر با Q_2 است. با توجه به اینکه دولت نمی تواند برآورد مناسبی از تقاضا داشته باشد بنابراین در هر دو منطقه به اندازه Q_3 تولید می کند. در این حالت منطقه اول به اندازه مثلث ABC سود رفاهی و منطقه دوم به اندازه مثلث CDE زیان رفاهی را متحمل خواهد شد (شکل ۱).



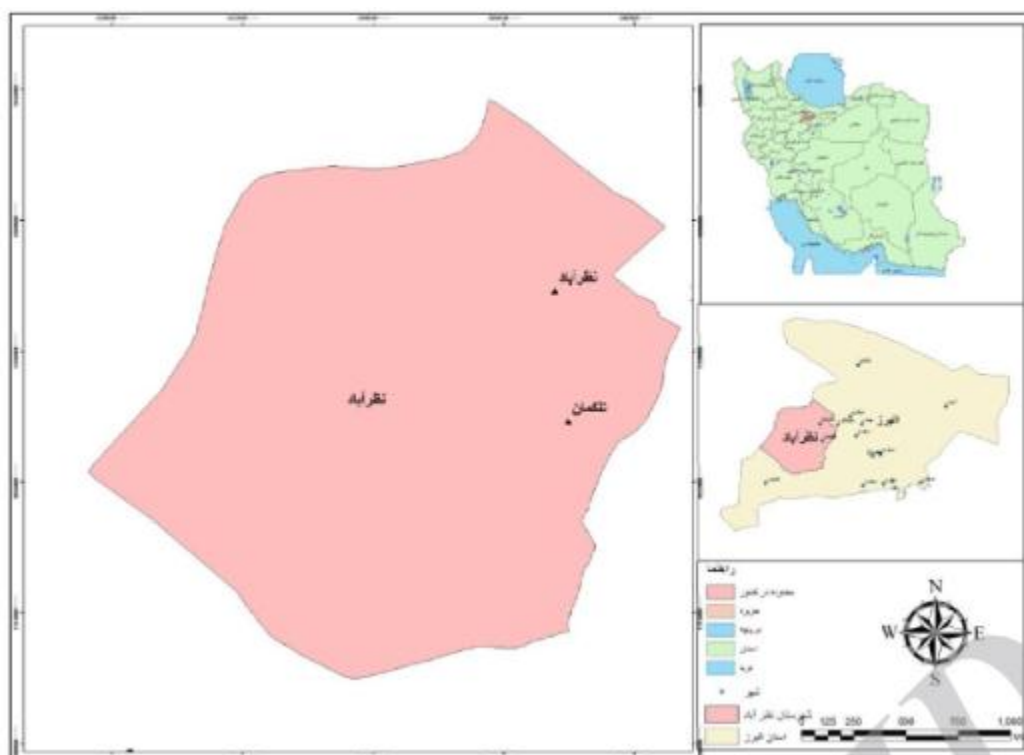
شکل ۱: سرمایه اجتماعی به مثابه کالایی عمومی در شهرسازی انسان محور

Figure 1. social capital as public goods

سود رفاهی همان تولید و حفظ شرایط بازتولید شبکه سرمایه اجتماعی برای اهداف شهرسازی انسان محور است که در شکل فوق با مثلث ABC است. اهداف توسعه محله و شهری با بازتولید سرمایه اجتماعی در سطح مثلث فوق امکان می یابد و فقدان آن زیان رفاهی و بالطبع فقدان زیرساخت مطلوب الگوی انسانی شهرسازی را فراهم می کند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر نظرآباد در استان البرز و در شهرستان نظرآباد واقع گردیده است. این شهر در موقعیت جغرافیایی حد فاصل ۳۵ درجه و ۵۶ دقیقه عرض جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی در جنوب راه آهن و اتوبان تهران قزوین و در چهار کیلومتری جنوب غربی شهر هشتگرد واقع شده است (شکل ۲). شهر نظرآباد در سال ۱۳۹۰ جمعیتی در حدود ۱۱۲۴۰۰ نفر را در خود جای داده بود که با توجه به رشد روزافزون مهاجرت ها به تهران، بالطبع جمعیت شهر نیز افزایش خواهد یافت. همچنین الحاق و پیوند کالبدی روستاهای اطراف نظرآباد مانند سید جمال الدین، علی آباد و محمدآباد به این شهر در رشد جمعیت این شهر و همچنین گسترش فضایی مکانی شهر تاثیر زیادی داشته است.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی شهر نظرآباد

Figure 2: Geographical location of Nazarabad city

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی است. واحد تحلیل از نظر مقیاس فضایی کل شهر نظرآباد و از نظر جمعیتی، نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شده است روش نمونه گیری

تصادفی ساده و ابزار جمع آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری شده اند. پایایی ابزار تحقیق بوسیله آلفای کرونباخ سنجش شده است. میانگین آلفای کرونباخ سازه های تحقیق ۷۵ به دست آمده است (جدول ۲).

جدول ۲ - آلفای کرونباخ سازه های تحقیق

Table 2- Cronbach's alpha of research constructs

متغیرها	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی اتصالی BRSC	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۴	۰/۶۰
	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۴	۰/۵۳
	حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	۵	۰/۵۵
	وجود نهادهای قانونی برای محافظت از حقوق مالکیت	۶	۰/۶۸
سرمایه اجتماعی مربوط کننده LSC	مسئولیت پذیری شهرداری و سایر ادارات شهر در برآوردن مناسب خدمات شهری و حل مشکلات	۵	۰/۷۱
	شرکت در انتخابات و داشتن کنش سیاسی	۳	۰/۷۱
	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶	۰/۸۰
	دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۵	۰/۷۳
	اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۴	۰/۶۳

بحث و یافته ها

مهمترین یافته های توصیفی تحقیق حاضر شامل جنسیت، سواد و تحصیلات، محل اولیه تولد، اشتغال و ... می باشد. براساس نتایج به دست آمده از ۳۰۰ نفر ۰/۸۰ درصد پاسخگویان مرد و ۰/۴۰ درصد زن می باشد. وضعیت تاهل این نتایج را به دست داده است که ۲۳ درصد نمونه آماری مجرد و ۸۹/۵ درصد متاهل بوده اند. در بررسی وضعیت سن، داده ها حاکی از این است که در نمونه آماری، بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۴۱ تا ۵۱ سال با فراوانی ۰/۳۶ درصد

است. داده های مربوط به تحصیلات حاکی از این است که ۴۳ درصد نمونه آماری دارای مدرک لیسانس و پایین تر بودند و بیش از ۳۲ درصد فوق لیسانس داشته اند. بیشترین مقدار سطح درآمد مربوط به محدوده ۸ تا ۱۲ میلیون تومان در ماه با ۴۷ درصد از کل نمونه است. داده های توصیفی مربوط به وضعیت شغلی ۶۲/۵ درصد بیکار و ۳۷/۵ درصد خود را شاغل معرفی نموده اند. بیشترین درصد شاغلان با ۲۶/۶۶ درصد کارمند بخش دولتی (اغلب شاغل در آموزش و پرورش) و ۲۴ درصد بقال و مغازه دار خرد بوده اند.

سنجش میزان همبستگی بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

نتایج مربوط به بررسی رابطه بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی براساس ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، نمی توان رابطه معناداری از ارتباط بین مولفه های (مشارکت و اعتماد اجتماعی)، (مشارکت اجتماعی و نهادهای محلی) استنباط کرد به عبارتی، افزایش یا کاهش میزان و کیفیت مولفه ی مشارکت اجتماعی هیچ تاثیری بر روند افزایشی و یا کاهش مولفه های اعتماد اجتماعی و نهادهای محلی ندارد و بالعکس (جدول ۳).

جدول ۳- ماتریس همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی

Table 3- Correlation matrix of social capital dimensions

اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱	۰.۱۵۱*	۰.۰۳۰	۰.۱۵۲*
سطح معناداری	-	۰.۰۲۶	۰.۶۶۳	۰.۰۲۵	
نهادهای محلی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۱*	۱	-۰.۰۵۴	-۰.۰۲۶۱**
سطح معناداری	۰.۰۲۶	-	۰.۴۲۶	۰.۰۰۰	
مشارکت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۰۳۰	-۰.۰۵۴	۱	۰.۲۲۵**
سطح معناداری	۰.۶۶۳	۰.۴۲۶	-	۰.۰۰۱	
انجام اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۲*	-۰.۰۲۶۱**	۰.۲۲۵**	۱
سطح معناداری	۰.۰۲۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	-	
جمع	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰

* سطح معناداری: یک درصد؛ ** سطح معناداری: پنج درصد

طبق اطلاعات جدول بالا می توان این چنین نتیجه گرفت که ارتباط تنگاتنگی بین مولفه های نهادهای محلی و انسجام اجتماعی (سطح معناداری ۰.۰۲۶۱-) برقرار است؛ به این صورت که به تناسب بهبود میزان و کیفیت کارکرد نهادهای محلی در شهر، بایستی انتظار افزایش میزان انسجام اجتماعی را داشت.

تفاوت سطح کلی سرمایه اجتماعی در شهر نظرآباد

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در مقیاس شهر نظرآباد متفاوت است اما در عین حال انواع آن تغییراتی پیدا می کنند.

جدول ۴- سطح سرمایه اجتماعی با توجه به مقیاس فضایی شهر نظرآباد

Table 4- The difference in the level of social capital according to the spatial scale of Sarab

متغیر	شاخص	گویه	میانگین رتبه ها در مقیاس کل شهر	U Man Vitny	sig
سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی (BOSC)	اعتماد غیر رسمی	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۲/۹۹	۶۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۵۶۲/۰۰	۴۰۰/۹۹۰	۰/۰۰۰
		اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۱/۸۹	۵۸۱/۴۵۸	/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	مشارکت همسایگان و تشریک مساعی نقش مهمی در کاهش مشکلات شهر و محله ما دارد	۵۲۱/۹۹	۴۵۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
		کارهای گروهی موفقیت بیشتری نسبت به کارهای فردی دارد	۶۵۲/۹۷	۵۶۲/۱۴۷	۰/۰۰۴
		علاقه دارم در کارهای مربوط به مشکلات محله و شهر با همسایگان مشارکت داشته باشم	۶۳۲/۰۰	۵۸۳/۸۹۹	۰/۰۰۲
سرمایه اجتماعی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۶۶۱/۹۹	۴۸۹/۶۵۴	۰/۰۰۰
		همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۶۶۱/۰۰	۶۰۰/۵۶۴	۰/۰۰۱
		حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	۵۷۱/۴۸	۴۸۸/۰۰۱	۰/۰۰۰

۰/۰۰۱	۵۰۰/۲۵۸	۵۴۱/۶۳	پیگیری مسائل اجتماعی - اقتصادی جامعه از طریق شبکه های ارتباطی	مشارکت مدنی	اتصال (BRSC)
۰/۰۰۰	۵۷۴/۵۸۶	۶۲۱/۰۰	سوال از ماموران دولتی یا نمایندگان مجلس درباره مشکلات جامعه		
۰/۰۰۱	۳۸۹/۰۰۰	۴۵۶/۹۸	تلفی از توانایی خود در تأثیر گذاری در امور شهر		

جدول بالا حاکی از آن است به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در شهر نظرآباد بالا است. همچنین در بعد شناختی، سرمایه اجتماعی از جمله علاقه مندی به مشارکت اجتماعی و تشریک مساعی و اعتقاد به موفقیت بیشتر کارهای گروهی در مقایسه با کارهای فردی سطح معنی داری کمتر است. با این حال مقایسه پاسخ های داده شده به گویه های متناظر با هر شاخص سطح کلی سرمایه اجتماعی نشان می دهد علیرغم وضعیت نامناسب اقتصادی و کالبدی، اما نیروی موثر سرمایه اجتماعی به عنوان یک زیرساخت زیرساخت زیست پذیری از وضعیت بهتری برخوردار است.

نتیجه گیری

فرماسیون و ساختار کلی شهرسازی انسانی به مثابه سیستمی در نظر گرفته شده است که یکی از ابعاد آن واکنش متقابل با مکان و طرح کالبدی شهر است. مطابق با اصل نظریه سیستمی و بر اساس تئوری آشفتگی هنگامی که در یک سیستم پیچیده (مانند یک شهر) عاملی مزاحم و خارج از پیش بینی اولیه در سیستم بوجود آید علاوه بر ایجاد اغتشاش در نقطه مرکزی، کل سیستم را دچار بحران و آشوب می نماید از اینرو برساخت فضای مطلوب مناسبات انسانی و بازتولید سرمایه اجتماعی، سرآغاز پارادایم شهرسازی انسان گرایانه است. الگوی اخیر در برنامه ریزی شهری مسبوق به تحولات فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی متنوع و متکثری است که در بستر فضا، مکان و زمان به شدت شهری شده معاصر مجال ظهور و بروز یافته است. این الگو مبتنی بر شاخص هایی کمی همانند تصمیم سازی شهری^{۱۱} بر اساس پیش بینی و مدلسازی صرف و محدود از واقعیت های گسترده و کیفی فضاهای شهری به گستردگی متروپلیتن نیست بلکه همانند اندیشه پست مدرن^{۱۲} بر بحران فرا روایت های کلان^{۱۳} و مدرن که بستر تعریف فضا، مکان و زمان بوده است متکی است. بنابراین معطوف الگویی غیر مهندسی از برنامه ریزی شهری است که تصمیم سازی و طرح های شهری را

^{۱۱} - City Decision Making

^{۱۲} - اندیشه پست مدرن (در اطلاق نام "مکتب پست مدرن" به جای اندیشه پست مدرن تامل می کنم) از اواخر دهه ۱۹۷۰ با پیشتازی فکری فیلسوفانی همچون نیچه، میشل فوکو، لیوتار، فردریک جیمسون، هاروی، چارلز جنکس، ایهاب حسن و ... مطرح شده است. این اندیشه موازی با جامعه پسا صنعتی و انباشت منعطف پسا فور دیسم است

^{۱۳} - Grand narrative

با دخالت و مشارکت اجتماعات محلی و شهروندان پیش می برد. سرمایه اجتماعی توسط اندیشمندانی مانند پوتنام، بوردیو و کلمن و به نظام فکری توسعه و تحول صلح آمیز جوامع شهری مطرح شده است. با توجه به تنوع آداب و رسوم و سنن اجتماعی در جوامع شرقی به نظر می رسد سرمایه اجتماعی در قیاس با رشد فردگرایی و مالکیت خصوصی در جوامع غربی از وضعیت بهتری برخوردار باشد بنابراین نظام مدیریت شهری کشور می تواند با توجه به وضعیت نامناسب سرمایه های مالی و فیزیکی در بودجه های شهرداری و ترازهای پی در پی منفی، از زیرساخت سرمایه اجتماعی به صورت مطلوبی استفاده نمایند. چنانچه مولوی، شاعر بزرگ، هم می گوید: چون زجمع خاک ها آمد چنین بنیادها/ پس ز جمع روح ها بنگر چه ها گردد چه ها.

چنانکه در تحقیق ما مشخص شد و در جدول ۴ نیز به صورت کمی و آزمون رگرسیونی نشان داده شده است شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی به غایت تاثیر زیادی در الگوی شهرسازی انسان محور در نظرآباد دارد. با توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی متباین موجود در ساختار فضایی شهر در برخی قسمت های شهر، توجه به سرمایه اجتماعی در بازساخت فضای اجتماعی و شهرسازی انسانی بسیار تاثیرگذار است.

Reference:

- Ahmed Nabil, Noha, & Abd Eldayem, G. E. (2015). Influence of mixed land use on realizing the social capital. *HBRC Journal*, 11, 285–298.
- Andrews, R. (2008). Perceived performance, bureaucratic autonomy and public service motivation: Evidence from English local government. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 20(3), 509–526. <https://doi.org/10.1093/jopart/mup004>
- Baud, I., & Dhanalakshmi, S. (2007). Governance in urban environmental management: Comparing accountability and performance in multi-stakeholder arrangements in South India. *Cities*, 24(2), 133–147. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2006.11.002>
- Besser, T. (2009). Changes in small town social capital and civic engagement. *Journal of Rural Studies*, 25, 185–193.
- Blanco, H., & Campbell, T. (2006). Social capital of cities: Emerging networks of horizontal assistance. Retrieved from <https://www.elsevier.com>
- Chuang, Y. C., & Chuang, K. Y. (2008). Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan. *Social Science & Medicine*, 67, 1321–1330.
- Franke, H. (2020). Civic engagement, ethnic heterogeneity and social capital in urban areas: Evidence from England. *Urban Affairs Review*, 44(3), 428–440.
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action, Vol. 1: Reason and the rationalization of society* (T. McCarthy, Trans.). Beacon Press.
- Harvey, D. (2003). *Social justice and the city* (F. Hesamian, M. Haeri, & B. Monadizade, Trans.; 2nd ed.). Urban Planning Company Press. [In Persian]
- Harper, L. (2021). Understanding strategic spatial planning to effectively guide development of urban regions. *Cities*, 94, 96–105.
- Hirt, S. A. (2016). Rooting out mixed use: Revisiting the original rationales. *Land Use Policy*, 50, 134–147.
- Huang, J., van den Brink, M., & Groot, W. (2009). A meta-analysis of the effect of education on social capital. *Economics of Education Review*, 28, 454–464.
- Ishihara, H., & Pascual, U. (2009). Social capital in community level environmental governance: A critique. *Ecological Economics*, 68, 1549–1562.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.

Jun, H.-J., & Hur, M. (2015). The relationship between walkability and neighborhood social environment: The importance of physical and perceived walkability. *Applied Geography*, 62, 115–124.

Madanipoor, A. (2012). *Designing urban space* (F. Mortezaei, Trans.; 3rd ed.). Prozazei Publications. [In Persian]

Mohan, J., Twigg, L., Barnard, S., & Jones, K. (2005). Social capital, geography and health: A small-area analysis for England. *Social Science & Medicine*, 60, 1267–1283.

Moutin, K., & Sherli, P. (2018). *Green dimensions of urban design* (K. Melabh, Trans.; 1st ed.). Tarazeh Publications. [In Persian]

Patrik, T. F. (2002). *Welfare theory: What is social policy?* (H. Homayunpoor, Trans.; 1st ed.). Gam e No Press. [In Persian]

Piri, I. (2011). Scientific explanation of communicative paradigm: The case of study Azarbaycan city system (Ph.D. thesis). University of Tabriz. [In Persian]

Poortinga, W. (2006). Social relations or social capital? Individual and community health effects of bonding social capital. *Social Science & Medicine*, 63, 255–270.

Sen, A. (2009). *Development as freedom*. Oxford University Press.

Shi, B., & Yang, J. (2015). Scale, distribution, and pattern of mixed land use in central districts: A case study of Nanjing, China. *Habitat International*, 46, 166–177.

Snelgrove, W. J., Pikhart, H., & Stafford, M. (2009). A multilevel analysis of social capital and self-rated health: Evidence from the British Household Panel Survey. *Social Science & Medicine*, 68, 1993–2001.

Suzuki, E., Takao, S., Subramanian, S. V., Komatsu, H., Doi, H., & Kawachi, I. (2010). Does low workplace social capital have detrimental effect on worker's health? *Social Science & Medicine*, 70, 1367–1372.

Tajbakhsh, K. (2006). *Social capital, trust, democracy and development* (A. Khakbaz & H. Pouyan, Trans.). Shirazeh Press. [In Persian]

Tibaldz, F. (2008). *Human oriented cities* (F. Jadali, & A. H. Legayi, Trans.; 2nd ed.). University of Tehran Press. [In Persian]

Walstrom, C., Svendsen, G., & Lind, H. (2008). On the capitalization and cultivation of social capital: Towards a neo-capital general science? *Journal of Socio-Economics*, 37, 1495–1514.

An Analysis of the Praxis of Social Capital in Constructing the Urbanization Model of the Human Being

Case Study of Nazarabad City, Alborz

Reza Ahmadzadeh¹, Hossein Nazmfar^{2*}, Soheila Hamidzadeh Khiavi³

1 Department of Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

2 Department of Geography and Urban Planning, Mohaghegh Ardabili Branch, Ardabil, Iran.

3 Department of Art and Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Email : Nazmfar@uma.ac.ir (Corresponding author)

Abstract

One of the main epistemological challenges in urban planning today lies in addressing the hyper-complexities introduced by the globalization of economy and culture. Concepts such as social and symbolic capital are increasingly relevant, reflecting the shifting dynamics of political and economic spheres in contemporary urban contexts. These developments have led to the emergence of new theoretical frameworks and urban conditions shaped by growing diversity. Since the early 21st century, social capital has become a key concept in both national and urban development discourse, drawing significant attention from researchers and policymakers. Robert Putnam famously defines social capital as the networks, norms, and trust that facilitate cooperation for mutual benefit. The evolution of urban planning models has gradually transitioned from technology- and modernization-based paradigms toward participatory approaches that increasingly prioritize social capital as a central pillar in shaping resilient, inclusive urban futures.

Keywords: Social Capital, Urban Planning, Globalization, Symbolic Capital, Participatory Models

Introduction

Praxis is a Kind of Public Behavior in Which People Create and Reconstruct the arena of their Lives. And Human Relationships in Space Occur in Intractive Action and Reaction Within the Context of Time and Space. The Human – Centered Urban Planning Paradigm Seeks to Produce a Space where Human Relations, in Cluding the Reproduction of Social Capital, Replace the Purely Physicalist Notion of the City and Public Spaces. The Most Important Aspect of This Type of Urban Planning is the Human Scale. Human Scale refers to the Type of Urban Plan that Allows Humans to Appear on their own two feet in a vast Urban Space and in Public Spaces. This Presence Promotes the Dynamism and growth of Human Relationships and the Production of Social Capital.

Materials and Method

In General, from the Perspective of urban Praxis, Spontaneous Contexts, as Defined by De Soto, are a radical movement Against State Bureaucracy in Which Slum Dwellers rely on Their Informal Connections to Evade Strict Government Regulations in order to Secure Their Minimum Living Standards. Many Researchers Consider Social Capital Indicators to be Different in Different Societies and Sometimes Discuss the Negative Type of Social Capital, which is Determinel among mafia and Terrorist Groups that have Intra-group Cohesion, Trust, and Mutual Relationships.

Discussion

In other Words, Increasing or Decreasing the Amount and quality of Social Participation Components has no Effect on the Increasing or Decreasing Trend of Social Trust Components and Local Institutions, and Vice Versa. Also in The Cognitive Dimension, Social Capital Including Interest in Social Participation and Collaboration and Belief in the greater Success of Group Work Compared to Individual Work, has a Significantly Lower Level. However, Despite the Poor Economic and Physical Situation, the Effective Force of Social Capital as a Livable Infrastructure is in a Better Condition.

Conclusion

The Formation and Overall Structure of Human Urbanization is Considered as a System, One of Whose Dimensions is the Interaction with the Location and Physical Design of the City. Given the Diversity of Customs and Social Traditions in Eastern Societies, Social Capital Seems to be in a Better Position Compared to the growth of Individualism and Private Property in Western Societies. There fore The Countrys Urban Management System Can Make Optimal Use of Social Capital Infrasture, given the Poor State of Financial and Physical Capital in Municipal Budget and Consecutive Negative Balances. There is a Close Relationship Between the Components of Local Institutions and Social

Cohesion (Significant Level). In Such a Way that in Proportion to the Improvement in the Level and quality of the Functioning of Local Institutions in the City, an Increase in the Level of Social Cohesion Should be Expected.